

چگونه از معرفت انتخاب استفاده کنیم؟

دو مطلب را باید مورد توجه قرار دهیم تا بتوانیم از معارفی که درباره انتخاب سرنوشت عالم در عالم فعلی و موضوعات مشابه مطرح می شود بهره ببریم و اصلاً بدانیم چگونه باید پرسش طرح کنیم. این دو مطلب بسیار مهم اند.

مسئله اول اینکه اگر سیر فکری معرفت انتخاب و بازی سرنوشت برای ما درست و به خوبی طی شود، در نهایت به بحث های عملی می رسیم؛ یعنی به اینکه این جای را بخوریم یا نخوریم، نماز را بخوانیم و چگونه بخوانیم، این کار را انجام بدهیم یا ندهیم. البته رساله عملیه ای که ما داریم و در آنجا بحث می کنیم یک جلوه خاصی از این بحث های عملی است و ممکن است اصلاً به آن نرسد، اما اگر درست طی بشود باید به این نقطه برسد که دقیقاً یک برنامه اجرایی روشن و واضح حاصل شود. دقیقاً سوالیکه برای همه مطرح می شود: «حالا من همه اینها را می دانم و می خواهم عمل کنم. می خواهم همه این معارفی را که به دست آورده ام به کار بیندم؛ یعنی مثلاً آشپزی چگونه باشد، ارتباط با همسر و بچه ها چگونه باشد. اگر آن معرفت انتخاب درست انجام شود، انسان باید به یک برنامه اجرایی دقیق برسد، یک مانیفست عملی، یک رساله عملیه به معنای اجرایی اش؛ نه صرف آن چیزی که فقط بحث کنیم. دقیقاً بایستی به مرحله اجرایی برسد، و انسان زمانی می تواند از این بحث های معرفت انتخاب استفاده کند که در نهایت به یک برنامه اجرایی برسد و آن برنامه اجرایی را اجرا کند؛ حتی اگر به آن برسد و اجرا هم نکند دوباره بی نتیجه می شود.

وقتی خودم را دقیقاً فهمیدم، اینکه چه کسی ام، از کجا آمده ام، برای چه آمده ام و به کجا می روم، نتیجه اش این می شود که مسیرم روشن است: در این دوراهی باید این راه را بروم، در دوراهی بعد آن راه را، و در دو راهی بعدی دوباره مسیر را تغییر بدهم. بعد چند راهی پیش می آید؛ در این چند راهی باید بینم کدام راه را بروم. خیلی اجرایی و روشن و مو به مو، مثل قواعد راهنمایی و رانندگی. اگر به اینجا نرسد، یا برسد و انسان عمل نکند، کل این بحث ها بی حاصل است؛ منتها باید درست برسد.

مسئله دوم این است که آن چیزی که معرفت انتخاب باید حل بکند این است که انسان دقیقاً بفهمد که هر چه هست، همین الآن قابل اجراست، و همین الآن تمام انتخاب های اول تا الانش و همه انتخاب های الان تا بعدش، از ابتدا تا انتها، هر انتخابی که داشته، همین الآن هست؛ بفهمد که چگونه همین الآن دارد انتخاب می کند. این باید برایش جا بیفتد، کاملاً روشن بشود که چگونه دارد همین الآن سرنوشتش را از اول تا الان و از الان تا انتها انتخاب می کند، این چگونه به این صورت شده و چگونه می تواند آن را عوض بکند. از یک نظر صرفاً در بحث معرفت انتخاب، بحث عملی

ندارد؛ بحث عملی‌اش هم نظری است. یعنی انسان بفهمد که چگونه است که همین الآن که اینجا نشسته، تمام سرنوشت خودش را همین الآن دارد انتخاب می‌کند، نه در گذشته. هر چیزی غیر از این باشد یعنی معرفت انتخاب برایش جا نیفتاده. مثلاً اینکه بگوید گذشته است؛ پس دیگر الآن قابل دگرگونی نیست. یا بگوید: «در یک عالم دیگر من بودم» یعنی هنوز بحث معرفت انتخاب برایش جا نیفتاده.

اما اگر بگوید: «در واقع من بودم، اما همین الآن هم هستم، می‌توانم اصلاح کنم اما چگونگی‌اش معلوم نیست.» این مراتب با هم قاطی می‌شود؛ باز این معنا جا نیفتاده. چنان جا بیفتد که متوجه بشود هرچه هست همین الآن خودش است و ممکن و مقدور است، و راهش هم این است. البته راهش زمان‌بر است؛ امکانات باید با یک ترتیبی پیش برود، هر کسی به اندازه نیرویی که می‌گذارد انجام می‌دهد.

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (قصص: ۸۳)

این مسیر آخرت، مسیر صعود، مسیر بازگشت به قله انسان، برای کسانی است که نمی‌خواهند فساد بکنند، فساد به معنای کلی: نمی‌خواهند برتری‌جویی نادرست داشته باشند. یعنی کسانی که می‌خواهند در این راه بروند. هر کدام از ما ممکن است در عمل نخواهیم بیشتر از حدی را پیش برویم، اما چه بخواهیم و چه نخواهیم، راه برای همه ما باز است. این باید برای انسان جا بیفتد. اگر این جا افتاد یعنی بحث معرفت انتخاب برایش روشن شده است.

بعد از آن می‌توانیم سراغ بحث‌های عملی برویم؛ عملی به آن معنایی که مثل قواعد راهنمایی و رانندگی است. اما اگر این مقدمه جا نیفتد و سراغ بحث‌های عملی برود، هنگام عمل این زیربنای مبهم که ذهن را به هم می‌ریزد اجازه استفاده درست را نمی‌دهد. تا می‌خواهد کاری را درست انجام دهد، ابهامات زیربنایی ذهنش را گل‌آلود می‌کند و نمی‌تواند به نتیجه برسد و نجات پیدا کند. بنابراین باید این دو مرحله را طی کند و سپس سراغ بحث‌های عملی برود.